

نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی

فخرالسادات حسینی*

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات یزد

سیدکاظم علوی لنگرودی

استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

رضایت‌مندی زناشویی نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی دارند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی زنان دانشجوی متأهل دانشگاه آزاد یزد بود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۵۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های مقیاس دلبستگی بزرگسالان، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، پرسشنامه رضایت جنسی و پرسشنامه قصه عشق (LSS) جمع‌آوری شد. علاوه بر روش‌های توصیفی برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی، رضایت زناشویی را در زنان پیش‌بینی می‌کند. عشق‌ورزی در رضایت زناشویی و رضایت جنسی زنان نقش واسطه‌گری دارد. با توجه به اینکه رضایت جنسی یکی از عوامل مهم خوشبختی در زندگی زناشویی محسوب می‌شود و رضایت بخش نبودن آن احساس ناکامی را به همراه خواهد داشت، لذا توجه به انطباق سبک‌های دلبستگی و سبک‌های عشق‌ورزی زنان باید در رأس برنامه‌های مشاوره‌های قبل از ازدواج قرار گیرد.

واژگان کلیدی

رضایت زناشویی، رضایت جنسی، عشق‌ورزی، سبک‌های دلبستگی

* نویسنده مسئول

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۴

DOI: 10.22051/jwsps.2018.12335.1332

مقدمه و بیان مسأله

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. هرچند از عمر خانواده‌های گسترده می‌گذرد و تبلور خانواده هسته‌ای در جامعه بیشتر می‌شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به‌خصوص زن و شوهر به‌عنوان ارکان اصلی خانواده واضح‌تر می‌شود. در این میان، رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین، یک خصوصیت فردی در زن و شوهر محسوب می‌شود. در واقع رضایت زناشویی نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارد. الیس (۱۹۹۲)، به نقل از احمدزاده و همکاران، (۱۳۸۹). بنابراین، به نظر می‌رسد رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی موفق سالم و شاد محسوب می‌شود.

عده‌ای از محققان معتقدند که سبک دلبستگی زوجین به‌عنوان یکی از عوامل مهم در استحکام رابطه بین زوجین می‌تواند نقش داشته باشد. زیرا دلبستگی، چارچوبی فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه‌های مقابله با تعارض زوجین کمک می‌کند (کیمبرلی و باکر^۱، ۲۰۰۸). با توجه به نظریه بالبی، دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنهاست ایجاد می‌شود و دارای سه سبک ایمن - اجتنابی و دوسوگرا است (خدابخشی کولابی و هاشمی اصلی، ۱۳۹۵). بالبی^۲ (۱۹۷۶) معتقد است دلبستگی در روابط والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار شناخت و هیجانات فرد هرزمانی از زندگی، از نوزاد تا بزرگسال تأثیر بگذارد. دلبستگی در روابط به‌طور ارادی و داوطلبانه یا به‌طور کامل قطع نمی‌شود و هرگونه خللی در یک رابطه دلبستگی دردناک است و موجب سوگواری در فرد می‌شود. رابین و اولین (۱۹۹۸)، به نقل از امان‌الهی و همکاران، (۱۳۹۱)، بیان می‌کنند که الگوهای عملی دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساسات فرد درباره حساسیت و پاسخ‌دهندگی و همچنین شامل شایستگی و ارزشی است که فرد برای دریافت توجه و محبت از دیگران دارد. هازن و شیور (۱۹۸۸) نشان دادند بزرگسالان ایمن از اعتماد به نفس،

-
1. Kimberly & Baker
 2. Bowlby



مهارت های اجتماعی و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی نسبتاً پایدار و رضایت بخش بهره مند هستند. اجتناب گراها ممکن است علاقمند به برقراری روابط عاطفی و صمیمی باشند، اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند، تمایلی به برقراری روابط صمیمی درازمدت ندارند، و از مهارت های اجتماعی بی بهره اند. دو سوگراها از طرد شدن و ترک شدن نگران هستند، در روابط با دیگران مستعد بی اعتمادی هستند، به رغم مخاطرات روابط صمیمی مشتاق برقراری چنین روابطی هستند و ممکن است به گونه ای نامناسب به خود آشکارسازی های صمیمانه بپردازند. با یک نگاه عاشق شوند و قهر و آشتی های مکرر داشته باشند. زنانی که دارای دلبستگی اجتنابی هستند، رفتارهای تجزیه ای بیش تری را نشان می دهند، از سوی دیگر دلبستگی ایمن با محافظت در مقابل تجزیه آسیب شناختی در ارتباط است (مهمان نوازان، علی اکبری دهکردی، کاکوجویاری، ۱۳۹۳). همچنین دلبستگی از عوامل فردی است که بر روابط جنسی، رضایت جنسی و صمیمیت حاصل از آن تأثیر می گذارد.

تمایلات جنسی به مثابه پیچیده ترین بعد زندگی زنان محسوب می شود که از عوامل متعددی متأثر می شود و بر ابعاد مختلفی از زندگی آنها تأثیر می گذارد (ده سرخی و موسوی، ۱۳۹۴).

بر طبق نظر هازان، زیفمن و میدلتون^۱ (۱۹۹۴)، افراد با سبک دلبستگی مضطرب/دوسوگرا به سطح بالایی از صمیمیت نیاز دارند. رفتارهای جنسی آنها بر رفتارهای مراقبت کنندگی و تمایل به امنیت و صمیمیت برتری دارند. آنها میل جنسی بالایی دارند و از موقعیت های جنسی استفاده می کنند تا نیاز برآورده نشده امنیت خود را باز یابند. آنها ممکن است شریک های جنسی مختلفی داشته باشند. افراد دلبسته اجتنابی به احتمال زیاد درگیر روابط جنسی خارج از تعهد در بیرون از خانواده می شوند (سیمسون^۲، ۱۹۹۶). اما افراد با سبک دلبستگی ایمن، همدل هستند و می توانند صمیمیت را تجربه کنند. آنها درگیر آن گونه روابط جنسی می شوند که برای هر دو زوج لذت بخش و کامل کننده باشد و هدف در این ارتباط کسب صمیمیت جنسی و لذت دوطرفه است (میلر^۳، ۱۹۹۷). از طرفی سبک های دلبستگی در عشق ورزی افراد در بزرگسالی نیز تأثیر دارند. و افراد مختلفی که سبک های دلبستگی متفاوتی

1. Hazan, Zeifman & Middleton

2. Simpson, Rholes & Phillips

3. Miller & Fishkin

دارند، تجارب مختلفی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند (هازن^۱، ۱۹۸۷). پارامتر عشق ورزی، از لحاظ نظری با دوست داشتن متفاوت است. و در بردارنده احساسات نیرومند وابستگی، صمیمیت و یک نگرانی عمیق برای بهروزی معشوق است. عشق ممکن است به صورت آتشین با هیجان‌های شدید، تمنای نسبی و اشتغال شدید فکری به معشوق مشخص شود که آغاز آن سریع و حرارت سرکش آن با گذشت زمان روبه سردی می‌گذارد، و یا عشق ممکن است مقدمه‌ای برای پرورش نهایی عشق مصاحبتی باشد. یعنی تجربه خفیف‌تر و پایدارتری که با احساس اعتماد متقابل، قابلیت اتکاء و گرمی مشخص می‌شود که طولانی‌تر است و در طی زمان عمق پیدا می‌کند (هتفیلد و راپسون، ۱۹۹۳). به عبارتی، از دیدگاه هازان و شیور (۱۹۸۷)، به نقل از یوسفی، عبدالمحمدی و ادهمیان، (۱۳۹۵) تجربه عشق یک فرایند دلبستگی است که به وسیله افراد مختلف به گونه‌های متفاوت تجربه می‌شود، زیرا آن‌ها در نوع دلبستگی با یکدیگر تفاوت دارند.

از مهم‌ترین و توجه‌برانگیزترین نظریه‌هایی که انواع عشق را تبیین می‌کند، نظریه ۶ بعدی «لی» است. «لی» بر اساس برآوردهای به دست آمده از ایالات متحده، کانادا و بریتانیا شش روش عشق‌وری را بیان می‌کند (نتو، ۲۰۰۵). انواع سبک‌های عشق‌ورزی در نظریه لی شامل این موارد است: ۱- عشق رمانتیک (اروس): این نوع عشق توأم با میل فیزیکی شدید به معشوق است و بر اساس زیبایی، جذابیت و تناسب فیزیکی شکل می‌گیرد؛ ۲- عشق دوستانه (استورگ): نوعی از عشق که طی آن صمیمیتی لذت بخش به آهستگی رشد یافته و به طرفین گسترش می‌یابد. در این فرایند به تدریج طرفین زوایای وجودی خود را بیشتر برای یکدیگر فاش می‌کنند؛ ۳- عشق بازیگرانه (لودوس): در این شیوه عشق به عنوان یک تفریح تلقی شده و هیچ تعهدی در آن نیست، وضعیتی که مانند شرکت در یک بازی تلقی می‌شود و معمولاً کوتاه مدت است و به زودی تمام می‌شود (کونکل و بورلسون، ۲۰۰۳)؛ ۴- عشق شهوانی (مانیا): حالت شدید هیجانی همراه با حسادت و عشق همراه مشغولیت ذهنی که باعث می‌شود شخص عصبی شده و از طرد شدن بترسد؛ ۵- عشق واقع‌گرایانه (پراگما): عشق منطقی که در آن شریک رابطه، بر اساس نیازهای شخص و همخوانی با سن، مذهب، سوابق و شخصیت انتخاب می‌شود. در اینجا رضایت خاطر بیشتر از هیجان و تحریک وجود دارد؛ ۶- عشق



فداکارانه (آگاهانه): عشق غیرشرطی، همراه با مراقبت از معشوق که با انعطاف‌پذیری و بخشندگی زیاده از حد توأم است (کرامر^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). در نظریه روبین عشق‌ورزی صرفاً مقداری بیشتر از دوست داشتن نیست، بلکه معمولاً مستلزم مجموعه‌ای از احساسات و نگرانی‌ها درباره معشوق است که از نظر کیفی متفاوت هستند. در این دیدگاه، دوست داشتن با تمجید، تحسین و محبت دوستانه همراه است (ارولنسون، ترجمه شکر کن، ۱۳۸۵، به نقل از قانع، ۱۳۸۸). از دیدگاه سوروکین افکار احساساتی یا افکارها به‌طور تلفیقی قدرت عشق را باور ندارند، عشق در نظر ما یک چیز خیالی است و ما آن را خود ضریبی تسکین‌دهنده افکار مردم، افکار آرمانی تصور غیرعلمی می‌نامیم. بوسکایا (۱۹۸۳)، به نقل از قانع، (۱۳۸۸). اشتربنرگ برای عشق یک مدل مثالی در نظر گرفته، که شامل سه ضلع است: شهوت، صمیمیت، تعهد و تصمیم. این نظریه بیان می‌کند میزان عشقی که یک فرد تجربه می‌کند بر قدرت این سه عنصر بستگی دارد. به‌علاوه نوع عشقی که هر فرد تجربه می‌کند به تعامل بین این سه عنصر بستگی دارد (باجگیرانی و همکاران، ۱۳۹۲). از نظر اشتربنرگ سه بعد عشق به ندرت در فردی به‌طور مساوی جمع می‌شود و میزان وجود هر یک از ابعاد روابط عاشقانه متفاوت است. از نحوه ترکیب سه بُعد عشق با همدیگر ۸ حالت یا نوع عشق به‌وجود می‌آید که عبارت هستند از: ۱- فقدان عشق: زمانی است که ابعاد سه‌گانه عشق در روابط افراد بسیار کم‌رنگ است یا اصلاً وجود ندارد، مثل بسیاری از روابط رسمی که افراد مرتبط با همدیگر دارند؛ ۲- مهر و علاقه: زمانی است که فقط عامل صمیمیت وجود داشته باشد و از دو بعد دیگر خبری نیست یا بسیار کم‌رنگ است؛ ۳- دل‌باختگی: در این وضعیت یا در این نوع عشق، بعد شوریدگی بر روابط افراد یا احساس یک فرد نسبت به دیگری حاکم است. این نوع عشق با وصول به معشوق به شدت پایان می‌پذیرد و ممکن است به تنفر تبدیل شود؛ ۴- عشق تهی: این نوع عشق در روابط پایدار که در آن انسان‌ها دارای رابطه عاطفی طولانی متقابل هستند و یا آن‌قدر با هم مانده‌اند که به همدیگر عادت کرده‌اند یا به علت ترس از بی‌پناهی و بی‌کسی به‌وجود می‌آید (اشتربنرگ، ۱۹۸۷)؛ ۵- عشق آرمانی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و شوریدگی است. عشق بر اساس جذائیت فیزیکی و عاطفی است (دویر^۲، ۲۰۰۰). نوعی

1. Cramer

2. Doyer

احساس نزدیکی، قرابت و پیوند بین دو زوج است. در این عشق اعتماد بسیار بالایی نسبت به همسر وجود دارد و به لحاظ عاطفی به شدت به او نزدیک است. ولی به دلیل نداشتن بیش و تعهد، امکان تداوم این عشق اندک است؛ ۶- عشق رفاقتی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و تعهد است. یک رابطه دوستانه پایدار، طولانی مدت و متعهدانه که همراه با مقدار زیادی صمیمیت است. این نوع عشق همراه با بهترین روابط دوستانه است که رفتار جنسی در آن نیست یا خیلی کم‌رنگ است و رفتار عطوفت و رزانه در آن دیده نمی‌شود؛ ۷- عشق ابلهانه: در این حالت افراد در نگاه اول عاشق یکدیگر می‌شوند و خیلی زود بدون آنکه همدیگر را بشناسند به داشتن یک رابطه طولانی متعهد می‌شوند. این عشق خیلی شدید و اغلب وسواس گونه است؛ ۸- عشق کامل: این عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد تصمیم است. در این حالت فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند، رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز خواهد داشت. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود (اشترنبرگ، ۱۹۸۷). صادقی و همکاران (۱۳۹۲) در یک پژوهش نشان دادند آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه تأثیر دارد، ولی بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه تأثیر ندارد. نتایج مطالعه رجیبی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین نگرش جنسی و سبک عشق پراگما با بعد شخصی/والدینی از معیارهای انتخاب همسر رابطه مثبت وجود دارد. احمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی‌های خود نشان دادند میزان اندازه اثر رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی برابر است و میزان اندازه اثر در آن مطابق جدول کوهن، پایین است. بنابراین، بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی رابطه کمی وجود دارد. همچنین در بررسی رابطه بین قدردانی و حمایت همسر و رضایت زناشویی بر روی زوجین، مشخص شد که قدردانی و حمایت همسر با رضایت‌مندی زناشویی ارتباط مثبتی دارد و این امر در میان زنان در مقایسه با مردان بیشتر وجود دارد (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳، به نقل از صفیاری جعفرآبادی و زارع، ۱۳۹۴). نتایج تحقیقات حاجلو و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد بین میزان عشق‌ورزی و ابعاد آن در چهار گروه دانشجویان که بر اساس مدت ازدواج تقسیم شده بودند تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی ابعاد عشق‌ورزی در ابتدای



زندگی بالاست، رفته رفته کاهش می یابد و بعد دوباره افزایش می یابد. جعفرزاده قدکی و امانی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند بین مؤلفه‌های عشق (صمیمیت، هوس، تعهد) و رضایت زناشویی در کل با هرزنه‌نگاری در دانشجویان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی و تعهد با هم می‌توانند حدود ۲۳ درصد از تغییرات هرزنه‌نگاری را تبیین کنند. همچنین میانگین نمره صمیمیت، تعهد، مدیریت مالی و روابط جنسی در دانشجویان زن نسبت به مرد و میانگین نمره موضوعات شخصیتی، ارتباطات زناشویی نسبت به زن به سطور معناداری بیشتر بود. وی و همکارانش (۲۰۰۱)، به نقل از کرمی و علایی کلجای، (۱۳۸۷) نشان دادند که وقتی دو همسر قصه‌های عشقی مشابه و همسانی دارند، رابطه آن‌ها دوام بیشتری دارد و سطح رضامندی آن‌ها از زندگی زناشویی خویش بالاتر است. لاسی، ریگمن، اسکوت، هریس و فیتپاتریک^۱، (۲۰۰۴) در مطالعات خود نشان می‌دهد که اعتقادات درباره تمایلات جنسی به خوبی می‌تواند تعیین‌کننده انتخاب شریک عاشقانه باشد و افرادی که نگرش‌های جنسی متفاوتی دارند، دارای معیارهای متفاوتی برای انتخاب همسر هستند. نتایج مطالعه کازاریان^۲ (۲۰۱۲) نتایج نشان داد رضایت کلی از زناشویی با دلبستگی امن دارای رابطه مثبت بود و با دلبستگی ترسان همبستگی منفی داشت. جنس، سواد و دین با سبک‌های دلبستگی متقابل هم شریک مرتبط نبود، اما سن به‌طور جالب توجهی با دلبستگی بی‌اعتنا ارتباط دارد، در لبنانی‌های سالمندتر دلبستگی بی‌اعتنای بالاتری دیده شد. پالکین^۳ (۲۰۱۴) بر این باور است که دلبستگی، مراقبت، و سیستم‌های رفتاری جنسی در روابط عشق‌ورزی بزرگسالان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. هرسی، الینا و ریورا^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که اضطراب و اجتناب، رضایت جنسی و رضایت زناشویی ارتباط نزدیکی با هم دارند. به‌طور خاص، اجتناب، نه اضطراب، با سطوح پایین‌تر از رضایت جنسی و زناشویی متناظر است. علاوه بر این، برای متغیر رضایت جنسی، اثر متقابلی میان جنسیت بازیگر و اجتناب از شریک زندگی وجود دارد، که تنها در مردان مشاهده شد. در بعد رضایت زناشویی، اثرات تنها در سطح فردی آشکار شد؛ یک رابطه مثبت بین تعداد سال زندگی مشترک و قناعت بیشتر از رابطه پیدا شد.

1. Lacey, Reifman, Scott, Harris & Fitzpatrick
2. Kazarian, Shahe & Souha Bawab
3. Péloquin & Katherine
4. Heresi Milad., Eliana, Diana Rivera Ottenberger, and David Huepe Artigas

دوال^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای نشان داد سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است کم‌تر به وسوسه خیانت مقاوم باشند. اسپرچر و بیورلی^۲ (۲۰۱۱) نشان دادند سبک دلبستگی امن جهت‌مند به‌طور مثبت با عشق دلسوزانه برای شریک زندگی ارتباط دارد، در حالی که سبک دلبستگی برکناری - اجتنابی به‌طور منفی با عشق دلسوزانه ارتباط دارد. علاوه بر این، دلبستگی اجتنابی در روابط خاص به شدت (منفی) با عشق دلسوزانه ارتباط دارد و واسطه‌ی ارتباط بین دلبستگی اجتنابی جهت‌مند و عشق دلسوزانه است. لوین، کریستینا و هی^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های عشق با ویژگی‌های فردی مثل رابطه جنسی، حالت‌های روان‌شناختی مثل عزت نفس، شخصیت، کیفیت رابطه و پایداری آن ارتباط دارد. کازاریان^۴ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان داد رضایت کلی از زناشویی با دلبستگی امن دارای رابطه مثبت بود.

در نظریه عشق ورزی اشترنبرگ (۱۹۹۸؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶) فرض بر این است که ما آدمیان گرایش داریم عاشق کسانی شویم که قصه‌هایشان با قصه ما یکی است یا مشابه آن است، اما نقش آن‌ها در قصه‌ها مکمل نقشی است که ما داریم و بدین ترتیب این اشخاص از جهاتی مثل خود ما هستند و از جهاتی دیگر به صورت بالقوه با ما تفاوت دارند. آنچه باعث شکل‌گیری قصه‌های افراد می‌شود، تجربی است که افراد از محیط زندگی خود می‌گیرند. و مشکل از جایی شروع می‌شود که اگر از سر اتفاق عاشق کسی شویم که قصه کاملاً متفاوت با ما داشته باشد آن وقت است که هم رابطه ما و هم عشقی که زیر ساخت این رابطه است وضعیتی متزلزل می‌یابد. در چنین حالتی یا باید به دنبال شخص دیگری باشیم و رابطه خود را تغییر دهیم یا آنکه قصه خود را عوض کنیم. اهمیت و ضرورت شناخت مؤلفه‌های عشق‌ورزی زمانی است که بدانیم هر شخص قصه عشقی در زندگی خود دارد. به عنوان مثال افراد با قصه سرگرمی، که با دید سرگرمی و تفریح به روابط خود می‌نگرند و ازدواج را نوعی مشغولیت می‌دانند، روابط سطحی داشته و بین همسران فاصله عاطفی وجود دارد. در نتیجه به یک رابطه صمیمی و عمیق و واقعی نخواهند رسید. و یا افراد با قصه لذت جویی فرد به دنبال شریکی می‌گردند که منبع لذت باشد و آنچه برای او اهمیت دارد فیزیک ظاهری و جذابیت جسمی

1. Dewall
2. Sprecher, Susan & Beverley Fehr
3. Levin, Krystyna & Hee
4. Kazarian, Shahe & Souha Bawab



همسرش است و همسر خود را به چشم فردی نگاه می‌کند که تأمین‌کننده نیازهای جنسی او باشد (درویش‌زاده و پاشا، ۱۳۸۸). از طرفی در زمینه رابطه جنسی، اگر چه زندگی زناشویی سعادتمندانه فقط تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی است، ولی این رابطه ممکن است از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد. زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد، به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی) به خطر افتادن سلامت روان و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده منجر می‌شود. غریزه و سلیق جنسی و مسائل مربوط به آن، ما را از لحظه تولد تا دم مرگ دنبال می‌کنند. بسیاری از فعالیت‌های بشر از تشکیل روابط او با دیگران گرفته تا هدف او از کسب درآمد، شدیداً از تمایلات جنسی و میل به ارضای جنسی در او تأثیر می‌پذیرند. از این رو، مسائل جنسی، ارضای جنسی، مشکلات جنسی و اهمیت آن‌ها در زندگی افراد و سلامت اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و پزشکی جامعه، انکارناپذیر، غیر قابل چشم‌پوشی و بسیار زیاد است. در کشور ما نیز، هر ساله، آمارهای متعددی درباره علل مشکلات زناشویی و طلاق مطرح می‌شود که در این بین، نقش مشکلات و عوامل جنسی بسیار بارز است و تاکنون مطالعاتی محدود، ساختار و سهم این مفروض‌ها و معیارها را در فرهنگ ایرانی بررسی کرده است. همچنین با توجه به مطالب بیان شده و تأثیری که عشق در زندگی زوجین یا اختلافات و تعارضات آن‌ها دارد و بحث سبک‌های دلبستگی و ارتباط آن با رضایت جنسی و رضایت زناشویی مسئله‌ای است که نظر پژوهشگر را در پژوهش حاضر به خود جلب کرد. با توجه به مطالب مذکور، در مجموع پژوهش حاضر در پی آن بود که به نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد یزد دست یابد. در همین راستا هدف اول پژوهش حاضر، بررسی نقش پیش‌بین سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی بر رضایت زناشویی بود. هدف دوم پژوهش نیز بررسی نقش واسطه‌گری عشق‌ورزی بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی بود. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بررسی شد:

فرضیه ۱: سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی نقش معناداری در پیش‌بینی رضایت

زناشویی دارند.

فرضیه ۲: عشق‌ورزی بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی افراد نقش واسطه‌گری دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد یزد به تعداد ۷۵۰ نفر بود که نمونه پژوهش بر مبنای جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۵۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. میانگین سنی نمونه ۲۸ سال و میانگین طول مدت ازدواج آن‌ها ۸/۵ سال بود.

در پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

الف: پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: مقیاس دلبستگی بزرگسالان را ابتدا در سال ۱۹۹۰، کالینز و رید تهیه کردند و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را بررسی می‌کند، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد: وابستگی (سنجش میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران)، زیر مقیاس نزدیکی (سنجش میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران) و زیر مقیاس اضطراب (ارزیابی میزان نگرانی فرد از طرد شدن).

ویژگی‌های روان‌سنجی: ضریب پایایی و بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱، ۰/۵۲ گزارش شده است. کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده، بالا است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی، نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیان‌کننده آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های C, D, A در (RAAS) معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است، اما با توجه به همبستگی بین نتایج دو اجرا، زیر مقیاس A قابل اعتمادترین ($r=0/75$) است و در درجه بعدی زیر مقیاس C قابل اعتماد است ($r=0/75$) و D کم‌ترین میزان قابلیت



اعتماد را در بین این سه زیر مقیاس دارا بوده است ($r=0/74$). از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص شد که زیر مقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد ($0/74$) و وابستگی (D) کمترین قابلیت اعتماد ($0/28$) را دارد و قابلیت اعتماد زیر مقیاس نزدیک بودن در حد متوسط ($0/52$) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است. آلفای کرونباخ به دست آمده از پژوهش حاضر $0/91$ است.

ب) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH): السن از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده و معتقد است که این مقیاس، مربوط می شود به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد و همچنین در این خصوص به تغییراتی حساس است که در خانواده به وجود می آید. مقیاس این پرسشنامه به شرح زیر توصیف شده است: پاسخ قراردادی، موضوعات شخصیتی، روابط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش های مربوط به برابری زن و مرد، جهت گیری مذهبی. السن و همکاران (1986) و فوورس و همکاران (1996) اعتبار فرم اخیر را، با استفاده از روش ضریب آلفا $0/92$ گزارش کرده اند. در کشور ما (ایران) اولین بار سلیمانیان و نوابی نژاد همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند $0/93$ و برای فرم کوتاه $0/95$ محاسبه و گزارش کرده اند. در یک پژوهش مهدویان (1376) در کار روی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی، به فاصله یک هفته برای مردان $0/93$ و برای زنان $0/94$ و برای مردان و زنان $0/94$ را به دست آوردند. فوورس و السن (1989) در یک کار پژوهشی میزان اعتبار و کاربرد کلینیکی سیاهه انریچ را بررسی کردند. آن ها تعداد 5039 زوج را به صورت تصادفی مقطعی انتخاب کرده و مقیاس چند وجهی انریچ را به کاربردند. بررسی نشان داد که توانایی تمیز زوجین خوشبخت از زوجین غیرخوشبخت (ناسازگار) از طریق این مقیاس 85% تا 95% دقت و صحت دارد. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر $0/89$ است.

ج) پرسشنامه رضایت جنسی: پرسشنامه رضایت جنسی لارسون به وسیله لارسون و همکارانش در سال 1998 ارائه شد. این پرسشنامه دارای 25 عبارت است. در پژوهش شمس (1380) اعتبار و پایانی این آزمون به ترتیب $0/90$ و $0/86$ گزارش شده است. در تحقیقی دیگر، پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای یک گروه بارور

۰/۹۳ و برای گروه نابارور ۰/۸۹ گزارش شد (بهرامی، ۱۳۸۶). آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر ۰/۹ است.

د) پرسشنامه عشق و ورزی: اساس نظری این مقیاس مبتنی بر نظریه عشق به مثابه یک داستان قرارداد و به منظور سنجش قصه عشق زوجین و بررسی میزان تشابه آن‌ها تدوین و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی بین زنان و مردان و تفاوت نمرات آن‌ها در مطالعه مقدماتی در دو فرم مجزا برای مردان و زنان تهیه شده است و هر فرم این مقیاس ۲۵ نوع قصه مختلف و پنج گروه عاملی را می‌سنجد، در هشت نوع قصه، نقش‌ها به‌طور واضح از هم تفکیک شده‌اند (کرمی و علائی کلجاهی، ۱۳۸۶). در بررسی پایایی مقیاس ساخته شده از روش بازآزمایی و روش ضریب آلفای کرونباخ از طریق همبستگی هر سؤال با قصه و نقش مربوطه و نیز از طریق همبستگی میان سؤال‌های هر قصه و نقش استفاده شد و ضریب آلفای کلی مقیاس برای مردان برابر با ۰/۹۳ و زنان برابر ۰/۹۶ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ پژوهش حاضر ۰/۸۶ است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱: اطلاعات آماری مربوط به سبک‌های دلبستگی، رضایت زناشویی، رضایت جنسی و عشق و ورزی

تعداد	دامنه تغییرات	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۲۵۰	۵۰,۰۰	۲۹,۰۰	۷۹,۰۰	۵۴,۴۶۸۰	۱۳,۷۰۴۶۱	۱۸۷,۸۱۶
۲۵۰	۹۳,۰۰	۱۰۹,۰۰	۲۰۲,۰۰	۱۵۷,۶۴۴۰	۲۷,۴۵۴۹۱	۷۵۳,۷۷۲
۲۵۰	۶۴,۰۰	۳۳,۰۰	۹۷,۰۰	۶۲,۸۹۲۰	۱۹,۸۵۴۳۰	۳۹۴,۱۹۳
۲۵۰	۲۷۴,۰۰	۲۰۴,۰۰	۴۷۸,۰۰	۳۲۹,۳۶۰۰	۷۶,۸۴۹۰۳	۵۹۰۵,۷۷۳

در جدول ۱ اطلاعات آماری شامل تعداد افراد پاسخ‌دهنده و دامنه تغییرات، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار و واریانس مربوط به سبک‌های دلبستگی، رضایت زناشویی، رضایت جنسی و عشق و ورزی آن‌ها ارائه شده است.

فرضیه ۱: سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی نقش معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند.



جدول ۲: ضرایب مدل رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری آزمون
	ضریب B	خطای معیار	شده بتا	آماره تی	
مقدار ثابت	۸۹/۸۵۷	۵/۴۹۵		۱۶/۳۵۳	۰/۰۰۰
سبک‌های دلبستگی	۰/۵۴۶	۰/۱۳۰	۰/۲۷۲	۴/۱۸۳	۰/۰۰۰
رضایت جنسی	۰/۶۰۵	۰/۰۹۰	۰/۴۳۸	۶/۷۲۱	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۲ و آزمون رگرسیون انجام گرفته از آنجائی که سطح معناداری حاصل شده درباره مقدار ثابت و متغیرهای سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، نقش آن‌ها در معادله رگرسیون معنادار است. به طوری که ضریب بتای حاصل شده برای متغیرهای سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی به ترتیب برابر ۰/۲۷۲ و ۰/۴۳۸ است. لذا معادله رگرسیونی را به صورت زیر خواهیم داشت:

$$\text{رضایت زناشویی} = ۸۹/۸۵۷ + ۰/۵۴۶ \times \text{سبک‌های دلبستگی} + ۰/۶۰۵ \times \text{رضایت جنسی}$$

فرضیه ۲: عشق‌ورزی بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی افراد نقش واسطه‌گری دارد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۰/۶۴۳	۰/۴۱۴	۰/۴۰۹

در جدول ۳ میزان ضریب همبستگی میان متغیر وابسته (رضایت زناشویی) و متغیرهای مستقل (رضایت جنسی و عشق‌ورزی) ارائه شده است، به طوری که ضریب همبستگی حاصل شده برابر ۰/۶۴۳ و ضریب تعیین به دست آمده برابر ۰/۴۱۴ است.

جدول ۴: ضرایب مدل رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری آزمون
		بتا	آماره تی	
مقدار ثابت	۱۴۵/۷۷۸		۱۱/۲۲۷	۰/۰۰۰
رضایت جنسی	۰/۴۳۰	۰/۳۲۲	۳/۴۵۳	۰/۰۰۰
عشق ورزی	۰/۳۴۴	۰/۵۳۶	۶/۶۶۹	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۴ و آزمون رگرسیون انجام گرفته از آنجائی که سطح معناداری حاصل شده درباره مقدار ثابت و متغیرهای رضایت جنسی و عشق ورزی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، نقش آن‌ها در معادله رگرسیون معنادار است. به‌طوریکه ضریب بتای حاصل شده برای متغیرهای رضایت جنسی و عشق‌ورزی به ترتیب برابر ۰/۳۲۲ و ۰/۵۳۶ است.

جدول ۵: ضرایب همبستگی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	a/۷۰۱	۰/۴۹۱	۰/۴۸۹

در جدول ۵ میزان ضریب همبستگی میان متغیر وابسته (رضایت زناشویی) و متغیر مستقل (رضایت جنسی) ارائه شده است. به‌طوریکه ضریب همبستگی حاصل شده برابر ۰/۷۰۱ و ضریب تعیین به‌دست آمده برابر ۰/۴۹۱ است.

جدول ۶: ضرایب مدل رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری آزمون
		بتا	آماره تی	
مقدار ثابت	۴۹۹/۹۷۸		۴۳/۲۵۰	۰/۰۰۰
رضایت جنسی	۲/۷۱۳	۰/۷۰۱	۱۵/۴۷۴	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۶ و آزمون رگرسیون انجام گرفته از آنجائی که سطح معناداری حاصل شده درباره مقدار ثابت و متغیر رضایت جنسی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، نقش آن‌ها در معادله



رگرسیون معنادار است. به طوری که ضریب بتای حاصل شده برای متغیر رضایت جنسی برابر ۰/۷۰۱ است.

لذا با توجه به جداول فوق نتایج زیر حاصل می شود:

اثر مستقیم متغیر عشق ورزی بر رضایت زناشویی = ۰/۵۳۶

اثر مستقیم متغیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی = ۰/۳۲۲

اثر مستقیم متغیر رضایت جنسی بر عشق ورزی = ۰/۷۰۱

اثر غیر مستقیم متغیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش واسطه ای

$$\text{عشق ورزی} = (۰/۷۰۱) \times (۰/۵۳۶) = ۰/۳۷۶$$

با توجه به نتایج حاصله و محاسبه میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم می توان گفت که عشق ورزی می تواند نقش واسطه ای را ایفا کند و واریانس رضایت زناشویی را بهتر تبیین کند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر در رابطه با فرضیه اول پژوهش نشان داد که می توان، رضایت زناشویی را بر اساس سبک های دلبستگی و رضایت جنسی پیش بینی کرد. بنابراین، می توان قضاوت کرد که سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج کازاریان (۲۰۱۲) همسو است. همچنین با نتایج پیوسته گر و همکاران (۱۳۸۵) نیز همسو است. در این پژوهش هر چند رابطه بین رضایت زناشویی و سبک های دلبستگی به طور مستقیم بررسی نشده بود، اما ارتباط سبک های دلبستگی با یکی از ابعاد رضایت زناشویی بررسی شده است. پژوهش آن ها نشان داد بین سبک دلبستگی ناایمن والدین با تعارض زناشویی میان آن ها و وضعیت نامناسب مالی خانواده همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. نتایج این یافته با نتایج پالکین (۲۰۱۴) همسو است. وی در پژوهش خود نشان دادند که دلبستگی های ناایمن پیش بینی کننده نارضایت در زنان و مردان است. همچنین بر اساس داده های این فرضیه بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج فرضیه با نتایج تحقیقات هرسی و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. نتایج پژوهش آن ها در یک مدل مرتبه ای خطی نشان داد که اضطراب و اجتناب، رضایت جنسی، رضایت زناشویی ارتباط نزدیکی با هم دارند. در تبیین این یافته می توان گفت یک ارتباط دوسویه بین روابط جنسی و

رضایت زناشویی وجود دارد. احتمالاً نارضایتی جنسی با ترس از بی‌وفایی، حسادت، ناتوانی در برقراری ارتباط کلامی، سلطه‌گری، خشم، وابستگی و تعارض‌های مداوم در زمینه‌های دیگر زندگی همراه است. متقابلاً مشکل جنسی به معضلات رابطه‌ای جدید دامن می‌زند. وجود دائمی خشم و عصبانیت بین زوجین فرصت‌های شیرین و رمانتیک را سلب کرده و مجال برای تحریک تمایل جنسی و برقراری رابطه جنسی نمی‌ماند که به طور قطع این مسأله نارضایتی زناشویی را به دنبال خواهد داشت. اما فراهم کردن شرایطی که با گفتگوی عاشقانه و به‌طور منظم، به‌خصوص درباره زنان که بیشتر از مردان نیاز به گفتگوی عاشقانه دارند، باشد پیوند احساسی در بین آن‌ها برقرار شده و بعد بسیار مهمی از حس صمیمیت را با روابط جنسی به وجود خواهند آورد. از طرفی بزرگسالان با سبک‌های دلبستگی متفاوت، الگوهای ارتباطی متفاوتی نیز دارند. از آنجایی که افراد دلبسته ایمن بیشتر از افراد دلبسته نایمن اعتماد به نفس دارند، بیش از دو گروه نایمن از پیام‌های واضح استفاده می‌کنند. اما افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به دلیل اینکه خودپنداره ضعیفی دارند و قادر به برقراری روابط صمیمی و عمیق با دیگران از جمله با همسر نیستند، تعارض‌های میان فردی بیشتری را خصوصاً با همسر تجربه می‌کنند که خود عاملی زمینه‌ساز برای روابط زناشویی ضعیف است. یافته‌های دیگر پژوهش حاضر حاکی از این بود که عشق‌ورزی در رضایت زناشویی و رضایت جنسی افراد نقش واسطه‌گری دارد. نتایج مطالعات حاکی از آن است که ابعاد مختلف دلبستگی عاشقانه و مراقبت، دلایلی برای درگیر شدن در مقاربت جنسی در اختیار می‌گذارد که یک کارکرد از مراقبت است و با رضایت جنسی ارتباط دارد (پلکین، ۲۰۱۳). همچنین تحقیقات لوین و همکاران (۲۰۰۶) حاکی از آن است که سبک‌های عشق یا باورهای عاشقانه با ویژگی‌هایی مثل رابطه جنسی ارتباط دارد. بنابراین، نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق فوق همسو است. در تحقیقی مشابه توسط حفاظتی طرهبه، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵) نشان داده شد که سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد (ترکیبی از عشق کامل) با رضایتمندی زوجین همبستگی دارد. پژوهش فوق با پژوهش حاضر همسو است. همان‌طوری که در ادبیات تحقیق اشاره شد، در عشق کامل، عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد-تصمیم است. در این حالت فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند،



رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز خواهد داشت. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود (اشترنبرگ، ۱۹۸۷).

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت زوجین برای اینکه زندگی موفق و سرشار از عشق و محبت داشته باشند، نیاز به برقراری ارتباطی صحیح دارند که احساس رضایت را در آن‌ها افزایش می‌دهد. و معمولاً اشکال در عشق ورزیدن با بسیاری از شکایت‌های متداول مانند عدم تفاهم، توجه ناکافی به یکدیگر، ناخشنودی از یکدیگر، اشکال در گوش دادن، اشکال در حل مسأله، لذت نبردن از زندگی و... در نهایت عدم رضایت زناشویی ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین، عشق پلی است که می‌تواند روابط زناشویی را به هم نزدیک کرده، آن را استحکام بخشد. از این رو به نظر می‌رسد تنها زمانی احساس رضایت‌مندی در زندگی زناشویی ایجاد می‌شود که مؤلفه‌های صمیمیت، شهوت و تعهد به‌طور متوازن حضور داشته باشند. و اگر عشق ترکیبی از شوریدگی و تصمیم‌تعهد نباشد، افراد صرفاً بر اساس حالت شوریدگی نسبت به هم متعهد هستند و رابطه صمیمت و عاطفی عمیق با همدیگر ندارند. مگر اینکه قصه‌های عشق هر دو شبیه هم باشد که کم‌ترین مشکل را در روابط ایجاد کند. از طرفی اگر قصه‌های عشق و نگرش دو نفر شبیه به هم نباشد، به‌عنوان مثال یک شخص دارای قصه عشق لذت‌جویی و دیگری قصه عشق جامعه‌پسند (روابط همسران با تشریک مساعی همراه است) باشد، نمی‌تواند رضایت جنسی و رضایت زناشویی را به همراه داشته باشد. بنابراین، اگر از سرتاقت عاشق کسی شویم که قصه کاملاً متفاوت داشته باشد وضعیت متزلزل زناشویی را خواهیم داشت.

پژوهش حاضر نیز مانند تمامی پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بود که از جمله می‌توان به آزمایشی نبودن شیوه تحقیق اشاره کرد، همچنین دسترسی سخت به نمونه پژوهش با توجه به اینکه افراد متأهل باشند و حداقل دو سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد و نیز احتیاط آزمودنی‌ها در پاسخگویی به سؤالات پژوهش از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. در راستای مطالب فوق، توصیه می‌شود راهبردهای پیشگیری و درمانگری در چارچوب نظریه دلبستگی، در مشاوره‌های قبل از ازدواج و مشاوره‌های خانواده درمانی و حتی مراکز تحکیم خانواده تدوین و به‌کار گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در جلسه‌های مشاوره قبل از ازدواج سبک دلبستگی و نحوه ارزیابی فرد از زندگی بررسی شود تا در انتخاب صحیح همسر جلوگیری از وقوع طلاق مؤثر افتد. همچنین به نظر می‌رسد که عوامل مداخله‌گر دیگری نیز،

از جمله نوع رابطه زوجین، مذهب و شخصیت افراد، شرایط اجتماعی- اقتصادی، در رابطه بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی تأثیر دارد که می‌تواند نقش میانجی را داشته باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این مؤلفه‌ها به‌عنوان نقش واسطه در ارتباط زوجین بررسی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- احمدزاده، مریم، فرامرز، سالار، عبدالحسین، شمسی و صمدی، مریم (۱۳۹۱). فراتحلیل رابطه سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی، اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۲۵: ۳۷-۴۶.
- امان الهی، عباس، اصلانی، خالد، تشکر، هاجر، غواش، سعاد و نکویی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی، مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان دانشگاه الزهراء (س)، ۱۰(۳): ۶۷-۸۶.
- اشترنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۶). قصه عشق: نگرشی تازه به روابط زن و شوهر، ترجمه علی اصغر بهرامی، تهران: جوانه رشد.
- باجگیرانی، سونه، قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی و ظریف، فرزانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و سبک های عشق ورزی، فصلنامه مشاوره و روان درمانی، ۴(۱۶): ۷۰-۸۳.
- پیوسته گر، مهرانگیز، سیف، سوسن، درویشه، زهرا و پورشهریاری، مه سیما (۱۳۸۵). اختلال دلبستگی کودکان دبستانی بر اساس سبک دلبستگی والدین آنها، مطالعات روان شناختی، ۲(۲۱): ۱۲۵-۱۴۶.
- جعفرزاده قدکی، سیدمرتضی و امانی، پریسا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه عشق و رضایت زناشویی با هرزه نگاری جنسی در دانشجویان متاهل شهرستان بیرجند، اصول بهداشت روانی، ۱۷(۵): ۶-۲۴.
- حفاظتی طرهبه، مینا، فیروزآبادی، علی و حق شناس، حسن (۱۳۸۵). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه مقایس مثلثی اشترنبرگ (Sternberg) برای عشق، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۶(۵۴): ۹۹-۱۰۹.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا و هاشمی اصل، زهره (۱۳۹۵). رابطه سبک های دلبستگی با ترس از صمیمیت در زنان سالمند مطلقه، پیشگیری و سلامت، ۲(۱): ۲۵-۳۲.
- درویش زاده، سارا (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر قصه عشق دانشجویان. روانشناسی اجتماعی: یافته های نو در روانشناسی، ۵(۱۴): ۷-۳۲.

- ده سرخی، راضی و موسوی سیده فاطمه (۱۳۹۴). مطالعه برخی همبسته‌های رضایت جنسی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. *رویش روان‌شناسی*، ۴(۱۱): ۱۵۲-۱۳۵.
- رجبی، غلام رضا، عباسی، قدرت اله و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۱). آیا دختران عملگرایانه‌تر از پسران هستند؟ مقایسه سبک‌های عشق ورزی در میان دانشجویان، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۰ ص: ۹۵-۱۰۵.
- صادقی، مسعود. احمدی، سید احمد، بهرامی، فاطمه، اعتمادی، عذرا و پورسید، سیدرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق ورزی زوجین، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۳(۵).
- صفیاری جعفرآباد، هاجر و زارع، بیژن (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۱): ۱۱۱-۱۴۰.
- قانع، مهدیه (۱۳۸۸). بررسی مؤلفه‌های عشق اشتراک‌نبرگ و سازگاری زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اشکذر در سال تحصیلی ۸۸-۸۹. پایان‌نامه کارشناسی راهنمایی و مشاوره. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اشکذر.
- کرمی، ابوالفضل و علایی کجاهی، پروانه (۱۳۸۶). مقیاس قصه عشق: بر اساس نظریه عشق بر مشابه یک داستان. تهران: روان‌سنجی.
- مهمان نوازن، اشرف، علی اکبری دهکردی، مهناز و کاکوجویباری، علی اصغر (۱۳۹۳). تأثیر سبک‌های دلبستگی، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده بر میزان تاب‌آوری و رابطه آن با احساس غم غربت در میان دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه الزهراء (س)، *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۲(۴): ۱۷۳-۲۰۴.
- یوسفی، رحیم. ادهمیان، الهام، عبدالمحمدی، کریم (۱۳۹۵). نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، صفات شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی علائم نشانگان ضربه عشق دانشجویان دختر. *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۴(۳): ۱۷۱-۱۹۰.



- Ahmadzadeh, M., faramarzi, S., Shamsi A. H & Samadi, M. (2013). A meta-analysis of the relationship between attachment styles and marital satisfaction. *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 25, 37-46. <http://jtbcpriau.ac.ir>(Text in Persian).
- Aman Allahi, A., Aslani, K., tashakor, H., ghavabesh, S. & Nekoi, S. (2013) The investigation of The relationship of romantic attachment styles and love with marital satisfaction. *Sociological-psychological studies of women, Al-Zahra University*, 10(3), 67-86. http://jwsps.alzahra.ac.ir/article_1423.html(Text in Persian).
- Christopher, F. S. & Sprecher, S. (2000). Sexuality in marriage, dating, and other relationships: A decade review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 999.
- Cramer, K., Collins, K.& Singleton-Jackson, J.A., (2005). Love Styles and Self-Silencing in Romantic Relationships. *Guidance & Counseling*, 20: 139-151.
- Darvishzadeh, S. (2008) The Effect of Pre-marriage Education on Students' Love Stories. *Social Psychology: New Findings in Psychology*, 5(14): 7-32(Text in Persian).
- Dewall, C. N., et al(2011). "So far away from one's partner, yet so close to romantic alternatives: avoidant attachment, interest in alternatives, and infidelity." *Journal of personality and social psychology* 6/101: 1302.
- Doyer, Diana. (2000). Interpersonal relationship, London, Routledge. Brown, G.W., harris, T, & Copeland, J.R. (1997). Depression & loss: *British Journal of Psychiatry*, 301-18.
- Ghane, M. (2009) Study of Sternberg love components and marital adjustment among married students of Azad University of Isfahan during 2005-2006 academic year. For Bachelor's degree in guidance and counseling. *Islamic Azad University, Ashkezar Branch*(Text in Persian).
- Ghanaat Bajgirani, S., Ghanbari Hashem Abadi, A. & zarif, F. (2013). A Study on the Relationship between Differentiation of Self and Styles of Love. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 4(16): 69-84. http://qccpc.atu.ac.ir/article_51_en.html(Text in Persian).
- Hatfield, E. & Rapson, R. (1993). Love and attachment processes. In M. Lewis & J.M.Haviland (Eds.), *Handbook of emotions*(pp:595-604).New York: Guilford Press.
- Hazan, C., Zeifman, D. & Middleton, K.(1994). Adult romantic attachment, affection and sex. Proceeding of the 7th International Conference on Personal Relationships; *Groningen, Netherlands*.
- Hazen, C. & Shaver, P.(1987). Attachment as an organizational framework for research on close relationship. *Psychol Inq*; (5):7-22.
- Heresi, Milad. Eliana & Diana. Rivera(2014). Ottenberger. And David, HuepeArtigas. "Associations among attachment, sexuality, and marital

- satisfaction in adult Chilean couples: a linear hierarchical models analysis." *Journal of sex & marital therapy*, 40(4): 259-274.
- Hefazi Torqabeh, M., Firouz Abadi, A., Haqshenas, H., (2006). Relations between love styles and marital satisfaction. *J Mazandaran Univ Med Sci*, 16 (54): 99-109. <https://jmums.mazums.ac.ir>(Text in Persian).
- Jafarzadeh Fadaki, S. & Amani, P. (2015). Relationship of love and marital satisfaction with pornography among married university students in Birjand, Iran. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(5): 240-246. doi: 10.22038/jfmh.2015.4797(Text in Persian).
- Khodabakhshi Koolaee, A. & Hashemi Asl, Z. (2016). The Relationship between Fear of Intimacy and Attachment Styles among Elderly Divorced Women. *J Prev Health*. 2(1): 25-32. <http://hpjournal.ir/article-1-61-en.html>(Text in Persian).
- Karami, A. & Alaei, K. (2006). Love Story Scale: Based on the theory of love, Tehran: *Psychoanalysis*(Text in Persian).
- Kazarian Shahe, S. & Souha, Bawab.(2012). Cross-Sibling Attachment Styles and Marital Satisfaction among Married Lebanese, *The Arab Journal of Psychiatry* 23, (2): 148-158.
- Kimberly, R. A. & Baker, A. T., (2008). Attachment styles, alcohol, and childhood experiences of abuse; an analysis of physical violence in dating couples, *violence and victims*, 23, 52-65.
- Lacey, R.S., Reifman, A., Scott, J. P., Harris, S. & Fitzpatrick, M. J., (2004). Sexual moral attitudes, love styles, and mate selection, *Journal of Sex Research*, 41: 121-128.
- Levin, T., Krystyna, S. & Hee, S., (2006). Love Styles and communication in relationships: partner preferences, initiation, and intensification, *Communication Quarterly*, 54: 265-275.
- Miller, L.C. & Fishkin, S. A. (1997). On the dynamics of human bonding and reproductive success: Seeking a "window" on the "adapted-for" human-environment interface. In J. Simpson & D. Kenrick (Eds.), *Evolutionary Social Psychology*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Mehmannavazan, A., Aliakbaridehkordi, M., Kakojoybari, A., (2015). The effect of attachment styles, adaptability and family cohesion on resilience and its relationship with the feeling of sadness among students living in Al-Zahra University dormitory. *Women Studies sociological and psychological*, 12(4): 173-204. doi: 10.22051/jwsp.2015.1499(Text in Persian).
- Nasiri Deh Sourkhi, R. & Mousavi, S. F., (2015) The study of some correlative of sexual satisfaction and marital satisfaction in married women of Esfahan City. *Rooyesh*, 4 (2): 135-152. <http://frooyesh.ir/article-1-41-en.html>(Text in Persian).
- Neto, F., (2001). Love styles of three generations of women. *Marriage & Family*



Review.33: 268-282.

- Péloquin, Katherine. Et al.(2013): "Integrating the attachment, caregiving, and sexual systems into the understanding of sexual satisfaction. "*Canadian Journal of Behavioral Science/Revue canadienne des sciences du comportement* 45.3: 185.
- Péloquin, Katherine. Et al(2014). "Sexuality examined through the lens of attachment theory: Attachment, caregiving, and sexual satisfaction." *The Journal of Sex Research* 51, (5): 561-576.
- Peivastégar, M., Seif, S., Darvizé, Z., PoorShahriyari, M., (2006). Predicting Attachment Disorder in School-age Children in Respect to Parents' Attachment Style. *Quarterly journal of psychological studies*, 2(1,2): 125-146. <http://psychstudies.alzahra.ac.ir>(Text in Persian).
- Rajabi1, Gh., Abbasi, Gh. & Khojastemehr, R., (2013) Do Girls are more Pragmatic than Boys? Comparing love Styles among Students. *Psychological methods and models*, 3(10): 96-105. <http://jpmm.miau.ac.ir>(Text in Persian).
- Sadeghi, M., Ahmadi, S., Bahrami, F. & Etemadi, O. (2013). The Effect of Transactional Analysis Training on Love Styles of Couples. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 3(2): 71-84. <http://cbs.ui.ac.ir>(Text in Persian).
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., Phillips, D. Conflict in close relationships: An attachment perspective. *J Pers Soc Psychology*, 1996; 71: 899-914.
- Sprecher, Susan.(2011). And Beverley, Fehr. "Dispositional attachment and relationship-specific attachment as predictors of passionate love for a partner." *Journal of Social and Personal Relationships* 4/28: 558-574.
- Sternberg, R. J., (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93: 119-135.
- Sternberg, R. J. (1987). Liking versus loving: A comparative evaluation of theories. *Psychological Bulletin*, 102: 331-345.
- Sternberg Robert, J. (2007). Love Story: A new attitude to husband and wife relationships. Translation by Ali Asghar Bahrami(Text in Persian).
- Zare, B. & Safyari Jafarabad, H., (2015). The Study of Marital Satisfaction and its Determinants on Married Women and Men in Tehran City. *Women Studies sociological and psychological*, 13(1): 111-140. doi: 10.22051/jwsp.2015.1940(Text in Persian).
- Yusefi, A., adhamian, A. & abdolmohhamadi, K. (2016). The Role of Early Maladaptive Schemas, Personality Traits and Attachment Styles in Prediction symptoms of Female Students Love Trauma Syndrome. *Women Studies sociological and psychological*, 14(3): 171-190. doi: 10.22051/jwsp.2016.2559. (Text in Persian).

نویسندگان

فخرالسادات حسینی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات یزد

دکترسید کاظم علوی لنگرودی

استادیار دانشکده روانشناسی دانشگاه یزد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Role of Attachment Styles and Marital Satisfaction on Sexual Satisfaction through Mediation of Love among Married Psychology Students of Yazd Azad University

Fakhrosadat Hosseini¹
Seyed Kazem Alavi Langeroodi²

Abstract

Marital satisfaction is a positive and enjoyable attitude which couples have toward different aspects of marital relations. This study aimed to investigate the role of attachment styles and sexual satisfaction in marital satisfaction through the mediation of love among married students studying in Yazd Azad University. Participants in the study were 250 students. These individuals were selected using random sampling method. The data were collected from Adult Attachment Scale, Enrich Marital Satisfaction Questionnaire, Sexual Satisfaction Questionnaire and Love Story scale (LSS). In addition to descriptive methods, Pearson correlation and regression analysis were also used to check the hypotheses. The findings showed that attachment styles and sexual satisfaction predicted marital satisfaction. Love had a mediating role in people's marital satisfaction and sexual satisfaction. Considering that sexual satisfaction is one of the most important factors of happiness in marriage and its Unsatisfactory will bring a sense of failure. Therefore, attachment styles and love styles compliance should be considered for marriage counseling agenda.

Keywords

Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction, Love, Attachment Styles

1. MA in Public Psychology, Islamic Azad University, Yazd Research Center

2. Assistant Professor, Faculty of Psychology, Yazd University

Submit Date: 2016-11-12 Accept Date: 2017-08-15

DOI:10.22051/jwsps.2018.12335.1332